

در امثال و حکم عربی شهرت دارد که «کلام الملوک، ملوک الکلام»، این سخنی به غایت حکیمانه است، نهج البلاغه مولا امیرالمؤمنین که الحق «آخ القرآن» نام گرفته نیز مصداق عالی این سخن حکمت آمیز است، زیرا از زبان و قلم بزرگ مردی تراویده که در جهان سخنوری یگانه بوده کلامش سرآمد کلامهاست از همین روی درباره این اثر جاودانه گفته اند «فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق».

آری، امام مؤمنان در عرصه سخنوری گوی سبقت از همگان ربوده و توسن بلاغت را در میدان فصاحت بی مهابا تازانده و هیچ کسی یارای هم‌آوردی با او را ندارد، و نه تنها هم کیشان امام متقین بر بی‌رقیبی وی اذعان دارند، بلکه سخنوران غیر مسلمان هم بر این امر گواهند، و جز این نیست که کلام امام علی (ع) مؤید از جانب حق است و از زبان و قلمی تراویده که در شهر علم نبی (ص) بوده است.

خوش تر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران در ابتدا جهت تیمّن به ذکر بیاناتی از بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) می‌پردازیم:

ما مفتخریم که کتاب «نهج البلاغه» که بعد از قرآن، بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و

سازدین

نهج البلاغه در کلام رجال اندیشه
محمد رضا بندرچی

نهج البلاغه
ج ۱

شماره ۳۰۲ ۱۲۷

حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ماست»^(۱).

و در پیام دیگری آن را شفای دردهای فردی و اجتماعی دانسته و آن را اقیانوسی معرفی می‌نماید که هر دانشمندی در آن فرو رود غرق می‌شود.^(۲)

سخنوران و دانشی مردان عرب به حکم همزبانی اولین کسانی‌اند که حلاوت این اثر ماندنی را چشیده‌اند:

سیدرضی که خود همت به جمع‌آوری این اثر سترگ گماشته و با نهج البلاغه جاودانه شده و همچون قطره‌ای که خود دریا شده می‌نویسد:

«جویندگان و سود برندگان از آن زیاده است و این به دلیل گران سنگی و قدر و منزلت این کتاب در فراهم داشتن شگفتی‌های سخن‌وری و زبان‌آوری اوست»^(۳).

عبدالحمید کاتب از سخنوران بزرگ عرب در عهد مروان، چشمه جوشان مکتب ادبی خود و سبب نویسندگی اش را حفظ خطبه‌هایی چند از نهج البلاغه می‌داند.

«هفتاد خطبه از خطبه‌های علی(ع) را حفظ کردم و پس از آن ذهنم جوشید که جوشید»^(۴).

و چون از فصاحت و بلاغت سخنان او پرسیدند پاسخ می‌دهد که حفظ کلمات علی سبب فصاحت و بلاغت سخنانم شده است. در همین راستا باز هم سیدرضی

می‌نویسد:

«بعد از قرآن و بیانات پیامبر اکرم(ص) هر کلام و خطبه و مقاله‌ای را که خواندم و شنیدم توانستم با آن رقابت کنم و بهتر از آن یا همانندش را بگویم مگر کلمات امیرالمؤمنین علی(ع) را که هرچه کوشیدم توانایی رقابت با آن را در خود نیافتم»^(۵).

ابن ابی الحدید که عالم سنی مذهب مُنصفی است و شرح بزرگش بر نهج البلاغه شهرت جهانی دارد سخنان مولا را برتر از کلام مخلوق و کمتر از کلام الهی دانسته و می‌گوید اگر چه یاران پیامبر(ص) از فصیحان بودند ولی علی(ع) از همه آنها افصح بود.

همگان دو هنر خطابه و نویسندگی را از وی فرا گرفته‌اند، و به همین دلیل است که یک دهم بلکه یک بیستم آنچه را که مردمان از سخنان علی(ع) گردآوری کرده و حفظ کرده‌اند در مورد سخنان هیچ یک از صحابه رسول‌الله(ص) انجام نداده‌اند با این که در میان آنان نیز فصحای بزرگی وجود داشته‌اند.

و سپس کلام امام(ع) را برتر از کلام حکیمانی چون افلاطون، ارسطو و سقراط دانسته است و می‌گوید:

«فصاحت را بین که چگونه مهار خود را به دست علی داده و زمام خویش را به وی سپرده است. نظم شگفت الفاظ را

بنگر که یکی پس از دیگری می آیند و در اختیار او قرار می گیرند. گویا چشمه ای است که خود به خود و بدون زحمت از زمین می جوشد. سبحان الله که جوانی از عرب و در شهری چون مکه می یالد و با هیچ حکیمی هم برخورد نکرده است اما کلماتش در حکمت



نظری، برتر از سخنان افلاطون و ارسطو قرار گرفته و با اهل حکمت عملی نیز آمد و شد نداشته اما از سقراط هم پیشی گرفته است».^(۶)

امام یحیی یمنی می گوید:

«از معانی گوارا و شیوای سخنان علی(ع) هر سخنوری سیراب شده و به سبک کلام وی هر خطیبی لباس

سخنوری به تن کرده است چرا که مولا آبشخور بلاغت و زاینده آن است و ابر پُر بار فصاحت می باشد به حدی که خود فرمود: ما فرمانروایان کشور سخنیم و درخت سخنوری در وجود ما ریشه دوانیده و شاخه ها آورده است».^(۷)

شیخ محمدحسن نائل المرصفی که از ادیبان مهم جهان عربی است نهج البلاغه را همچون قرآن کریم، نوعی معجزه می داند و می گوید:

«نهج البلاغه برهانی روشن بر این است که علی(ع) بهترین نمونه زنده روشنایی و دانش، هدایت و فصاحت و معجزه قرآنی است. در این کتاب دلائل و نشانه هایی از دانش وسیع و سیاست صحیح و موعظه های روشن گر امام علی(ع) به چشم می خورد که شبیه آن در آثار هیچ یک از دانشمندان بزرگ و فیلسوفان و نوابغ دیده نمی شود.

مولا در ژرفای دانش و دین و سیاست فرو رفته و در همه این موارد سربلند بیرون آمده است».^(۸)

شیخ ناصیف یازجی، عقیده دارد:

«کسی که می خواهد در دانش و نگارش برتر از همه قرار گیرد باید به نهج البلاغه متوسل شود و از حفظش کند».

وی به فرزندش سفارش می کند که هرگاه خواستی در دانش و ادب و

نگارش بر دیگران برتری جویی حتماً قرآن و نهج البلاغه از برکن.^(۹)

طه حسین، ادیب بزرگ معاصر مصری که امروزه به سمبلی ادبی برای ادیبان عرب مبدل شده و وجهه مذهبی زیادی هم ندارد عقیده دارد که:

«من پس از وحی خداوندی، سخنی شیواتر و زیباتر از کلمات علی(ع) را سراغ ندارم».^(۱۰)

«امین نخله» می گوید:

«هر کس بخواهد روح تشنه خود را از بیانات علی(ع) سیراب سازد باید به نهج البلاغه روی آورد و آن را با دقت و صفحه به صفحه بخواند و گام نهادن در پرتو آن را فرا گیرد».^(۱۱)

«ابن نباته» عبدالرحیم بن محمد اسماعیل، خطبه‌ها و مواعظ مولا را گنجی تمام نشدنی می داند و می گوید:

«از خطابه‌ها گنجی از برکرده‌ام که هر چه از آن بردارم نمی‌کاهد و بلکه افزون می‌شود و بیشتر آنچه را که از برکرده‌ام حدود یکصد فصل از کلمات موعظه آمیز علی بن ابیطالب است».^(۱۲)

شیخ محمد عبده که در زمان خود شیخ مطلق از هر بود و افتخار شاگردی مفخر شرق «سید جمال الدین اسدآبادی» را دارد و چه بسا شرح نهج البلاغه وی نیز نشانی از تأثیر روح شیعی و حماسی سید بروی باشد و سخنان امام را پس از آیات

قرآنی و کلمات رسول الله(ص) جامع ترین کلام دنیای عرب می داند و می گوید:

در میان تمام مردم عرب کسی نیست که معتقد نباشد سخن علی(ع) پس از قرآن و احادیث رسول خدا(ص) شریف ترین و بلیغ ترین و جامع ترین سخنان است».^(۱۳)

همو در فراز دیگری آن را آموزشگاه پند و حکمت دانسته و تمسک بدان را پاک کننده دل‌ها می داند.^(۱۴)

عبده می نویسد:

«در هنگام مطالعه نهج البلاغه هرگاه به فصلی دیگر می‌رسیدم حس می‌کردم که پرده‌های سخن عوض می‌شوند و آموزشگاههای پند و حکمت تغییر می‌یابند. گاهی خودم را در میان جهانی می‌یافتم که روح بلند معانی با زیور عبارات تابناک آن را آبادان ساخته است. این معانی، پیرامون جانهای پاک و دلهای روشن می‌گردد تا به آنها رستگاری و الهام کند و به مقصد عالی‌شان برساند و از لغزش گاههای گوناگون دورشان سازد و به شاهراه مستحکم فضیلت و کمال برساند».^(۱۵)

این گونه سخنان از مردی که خود هم فقیه است و هم در میدان ادبیات عرب شهره‌ور است بیانگر مکان و منزلت والای نهج البلاغه می‌باشد.

یکی دیگر از ادبای شهر عرب «دکتر زکی مبارک» صاحب کتاب‌های مهم «النثر

الفنی» و «عبقریة الشریف» و تحقیقات برجسته در آرایه‌های ادبیات عرب است. وی در کتاب «النثر الفنی» که به بررسی زیبایی‌های کلام عرب پرداخته پس از توصیف نثر فنی درباره جایگاه سخن بحث می‌کند و چنین ادامه می‌دهد:

«نامه‌های علی بن ابی‌طالب و خطب و وصیت‌نامه و عهدنامه‌های او از صنعت ایجاز و تطویل بجا برخوردار است. علی وقتی که پیمان‌نامه می‌نویسد گفتار را طولانی می‌سازد چرا که عهدنامه، دستورهای سیاسی منطقه‌ای را که حاکم بدانجا اعزام می‌شود در بردارد اما زمانی که برای خواص یاران خود نامه می‌نگارد عبارت‌ها کوتاه است چرا که در این گونه موارد موجبی برای طولانی ساختن گفتار نیست».^(۱۶)

به گفته دکتر «علی الجندی» رئیس دانشکده علوم قاهره، سخنان حضرت علی(ع) به حدی زیباست که گویی شعر مثنوی است. وی درباره نثر امام می‌گوید:

«نوعی خاص از آهنگ موسیقی که بر اعماق احساسات پنجه می‌افکند در این بیانات هست. از نظر سجع، چنان منظوم است که می‌توان آن را «شعر مثنوی» نامید.^(۱۷)

«ابوعثمان عمرو بن جاحظ» که از ادبای بنام و طراز اول ادبیات عرب است به جمله با ارزش «قیمة کل امرئ ما یحسنه»

که تراویده فکر بلند امام متقین است اشاره می‌کند و می‌گوید:

«اگر از نوشته‌های علی(ع) جز همین کلمه را نداشتیم آن را شافی و کافی و بی‌نیاز کننده می‌یافتیم بلکه آن را برتر از کفایت و منتهی به غایت می‌دانستیم چرا که نیکوترین سخن آن است که اندک آن ترا بسیار بی‌نیاز سازد و معنی آن در ظاهر لفظ باشد».^(۱۸)

گذشته از گفتارهای عرب زبانان، به مصداق «همدلی از همزبانی خوش تر است» فارسی‌گویان نیز افزون بر تمایلات شیعی که خود موجب اهتمام آنان به کتاب مولا شده، چون ذاتاً اهل ذوق و عرفاند به سخنان زیبا و حکمت‌آمیز گرایش دارند. لذا نهج البلاغه در میان ایرانیان، پس از قرآن مکانت عالی را بدست آورده و همواره در کنار کتاب الهی زینت افزای کاشانه هر مسلمانی است. در این فراز بجاست به بررسی گفتارهایی از دانشوران ایران زمین پیرامون کلمات عالی‌شان مولا علی(ع) پردازیم.

یکی از شارحان بزرگ فارسی نهج البلاغه مرحوم ملا صالح روغنی قزوینی است که در عهد شاه عباس دوم سلیمان صفوی می‌زیسته و از مترجمان زبردست عصر خویش بوده و ترجمه‌ها و شرح‌های او بر کتب مهمی چون نهج البلاغه، صحیفه سجاده و مثنوی رومی در دربار

تأیید و تصدیق همگان است و ترجمه شیوایش از نهج البلاغه مورد احترام و استفاده اهل فضل و ادب است، این کتاب عظیم را منبع و سرمایه غنی همه ادیبان، شاعران، خطیبان و نویسندگان تاریخ اسلامی دانسته و همه مطالب آن را یک گنجینه سرشار می‌داند. وی می‌گوید:



«پس از آن که شریف رضی سخنان امام را از خطبه، نامه و فقره‌های کوتاه گردآوری نمود سرمایه‌ای غنی در دسترس ادیبان و خطیبان و مترسلان نهاده شد چنانچه ظاهراً توجه ادیبان ایرانی به فقره‌های کوتاه سخنان امام، پس از تألیف کتاب «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» به وسیله رشید و طواط است. بحث در این که

صفوی مقبولیت تام داشته است. وی از شاگردان حکیم متبخر «میرداماد» می‌باشد.^(۱۹) مهم‌ترین اثر وی «شرح نهج البلاغه» به فارسی است که به گفته مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی از سودمندترین و مفیدترین شرح‌های نهج البلاغه است^(۲۰) که البته چاپ هم شده است.

این دانشی مرد، نهج البلاغه را جامع و عظیم‌المثل و فوق طاق بشری دانسته است.^(۲۱) استاد علی دوانی که امروزه از رجال شرح حال نویس مهم به‌شمار می‌رود و تألیفات متعددی در آثار و احوال دانشمندان دارد برآورد که نهج البلاغه خود بهترین وسیله شناخت امام متقین علی(ع) است. دانشمندان معتقدند که پس از قرآن دنیای اسلام کتابی از لحاظ ابعاد و ارزشهای اسلامی همچون نهج البلاغه در اختیار ندارند.^(۲۲)

گروهی دیگر نیز نهج البلاغه را به عنوان برگزیده سخنان مولا، بیان‌گر اسلام راستین و ترجمان وحی خدا و برگردان شیوایی قرآن می‌دانند^(۲۳) و منشأ این دفتر حکمت را نیز قرآن دانسته‌اند لذا همه حکمت‌ها و دستورات مندرج در آن را ملهم از قرآن و رسول خدا(ص) دانسته‌اند.^(۲۴)

استاد دکتر سید جعفر شهیدی که امروزه از ادیبان طراز اول کشور ماست و استادی مسلم او در لغت و ادب عرب مورد

آیا همه این خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنان کوتاه (کلمات قصار) که در مجموعه‌ای به نام نهج البلاغه گردآمده گفتار علی (ع) است و یا برخی از گفته‌های دیگران نیز به نام حضرت، ثبت شده از قرن‌ها پیش آغاز شده و تا امروز به قدر کافی پیرامون آن گفته و نوشته‌اند. آنان که در سخن‌شناسی و نقد ادبی نزد گویندگان عرب مکانتی دارند گواهی داده‌اند که این گوهرهای گرانبها همه به یک گنجینه تعلق دارد... پس از آن که مذهب تشیع در ایران رواج یافت به اطمینان خاطر می‌توان گفت که شعر و شاعر و نثر از تأثیر نهج البلاغه و گفتار علی (ع) خالی نیست» (۲۵)

فقیه و اصولی معاصر آیه‌الله جعفر سبحانی خیرهای غیبی نهج البلاغه را گواه بر این دانسته که امام (ع) علاوه بر آگاهی‌های حسی و عقلی از آگاهی‌سومی به نام الهام و تأیید الهی برخوردار است و انسان به وسیله این حس، شکنده مرزهای زمان و مکان و حجاب ماده می‌باشد و با این قوه، حوادث را پیش از وقوع درک کرده و با آن حوادث ارتباط برقرار کرده و کاملاً آن را لمس می‌کند. آگاهی از غیب و گزارش امام (ع) از حوادث و رویدادهای پنهان و پوشیده خصوصاً جریان‌هایی که پس از شهادت وی رخ داد یکی از ابعاد گسترده نهج البلاغه را تشکیل می‌دهد و این خیرهای غیبی گواه است که امام علاوه بر

آگاهی‌های متعارف از آگاهی‌سومی برخوردار بوده که هرگز نمی‌توان آن را از طریق ابزاری به نام حس و عقل کشف کرد. (۲۶)

مرجع معاصر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی که علاوه بر تبخّر در فقه و اصول، ترجمه‌ای شیوا از قرآن کریم و نهج البلاغه به جهان معرفت عرضه کرده و معتقدند نهج البلاغه مرهمی بر دردهای جانناک بشریت است عالی‌ترین روش آزادی انسانها را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد چرا که منادی عدالت اجتماعی است. این کتاب در نوع خود بی‌نظیر و برای هر زمان و هر نسل، اثری مفید می‌باشد (۲۷).

عارف و فسیلسوف یگانه استاد حسن‌زاده آملی که در ادبیات فارسی نیز تبخّری ویژه دارند. این کتاب را شجره طیّبه‌ای که برای زندگی انسانها در تمام شئون و برنامه‌ها راهنما و دلیل قوی است می‌دانند. از دیدگاه استاد آملی این کتاب، معجزه گفتاری است چرا سیره امام علی (ع) به دو معجزه فعلی و قولی تقسیم می‌شود. معجزه فعلی مانند کندن در قلعه خیبر، و معجزه قولی کتاب گرانقدر نهج البلاغه است. (۲۸) همو می‌گوید:

در سلسله معجزات قولی، قرآن مجید است که صورت کتبی خاتم (ص) است و معارف صادر از اهل بیت عصمت و وحی چون نهج البلاغه و زیور آل محمد (ص) صحیفه

سجاده و جوامع روایی، تالی آن. (۲۹)

مرحوم عارف بی‌بدیل آیه‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی که در زمان خود أسوة علم و تقوا بوده و امروزه برای آشنایان با معارف اسلامی نامی آشناست از استادان و غوّاصان دریای بی‌کران نهج البلاغه بوده است.

استاد شهید مطهری که خود نهج البلاغه‌شناسی بزرگ است در مکتب این دانشور، زانوی تعلّم بر زمین زده و با عالم شگفت کتاب حکمت‌آمیز علی (ع) آشنا شده است. وی می‌گوید: او یک نهج البلاغه مجسم بود، مواعظ نهج البلاغه در اعماق جانش فرو رفته بود. برای من محسوس بود که روح این مرد با روح امیرالمؤمنین (ع) پیوند خورده و متصل شده است. (۳۰)

جالب این که آشنایی و پیوند این عارف با نهج البلاغه از طریق مرحوم شهید مدرس بوده است. به گفته میرزا علی آقا شیرازی «مدرس» نخستین کسی بوده که تدریس نهج البلاغه را در حوزه‌های علمیه رسمی کرد و این کتاب گرانسنگ را متن درسی برای تعلیم قرار داد. (۳۱)

مدرس زندگی عجیبی داشت، در تمام عمر طلبگی را ترک نمود، در مراجعت از نجف روزهای پنج‌شنبه هر هفته برای طلاب درس اخلاق می‌گفت و مبنای درسش نهج البلاغه بود. یک روز به درس ایشان

رفتم، چنان حاضرالذهن، عبارات نهج البلاغه را از بر می‌خواند و از کتب بزرگان شعر و ادب و ادبیات عرب، ضرب‌المثل می‌آورد که من علاقمند شدم و مدتی به درس ایشان می‌رفتم. وی می‌گفت بالاترین کتاب، نهج البلاغه است، بخوانید و به دیگران یاد بدهید. به هر حال مشوّق من در نهج البلاغه، مدرس بود. (۳۲)

حاج میرزا علی آقاشیرازی بر این باور بود که جاذبه و بلندای کلام امام علی علیه‌السلام چون قرآن، دل آدمی را روشنی بخشیده و اندیشه را جهت داده و روح را مفرّح می‌نماید.

امام خمینی (ره) بر این باورند که: نهج البلاغه پرتوی پرفروغ از قرآن و ترجمان آن است و تراوش روحی ملکوتی است که به حق عبدالله بود و اثری است مفید و سازنده برای بیدار نمودن خفتگان در بستر غفلت دارویی است برای شفای آنان که به بیماربهای دل وامراض روان مبتلایند و مرهمی است برای افرادی که از دردهای فردی و اجتماعی در تب و تاب هستند و خلاصه سخنش این بود که نهج البلاغه در بین افراد طالب حق و مشتاق مصونیت و مغزهای نورانی، مشتری دارد و شایسته نیست چنین اثری محبوب و مهجور بماند بلکه باید جرعه‌هایی از آن را به کام تشنگان فرو ریخت. (۳۳)

یکی از خوشه‌چینان خرمن وی

و همچنین وی آن چنان بر مطالب این کتاب تسلط داشت که خطبه‌هایی را از تر و بدون مراجعه به کتاب می‌خواند و به حالتی توضیح می‌داد که مستمعین را منقلب می‌کرد و آنان را به خود می‌آورد. (۳۵)

مرحوم آمیرزا علی آقا شیرازی، «سید رضی» را دانشمندی بلند قدر می‌دانست که با تدوین نهج البلاغه چراغی فروزان فرا راه جامعه اسلامی قرار داد تا در قرون متمادی و اعصار متوالی، راهنمای جوامع انسانی به راه راست و نیل آنان به کمالات شایسته و فضایل انسانی و تکامل علمی و عقلی باشد و از این که عده‌ای در اصالت چنین اثری شک می‌کنند و گویی عاملی از رسوبات رشک‌آلود و لجاجت از آنان برمی‌خیزد، رنج می‌برد و در برابر این شکاکان که بی‌هیچ برهان یا هدف سالمی در صحت سند نهج البلاغه و انتساب محتوای آن به امام علی (ع) تردید کرده‌اند کوشید تا منابع و مراجعی که این نسبت را ثابت می‌کنند بیابد و توفیق این اثر ثمین را مسجل کند. (۳۶)

در انتها به مصداق خاتمة المسک بجاست سخنانی از استاد شهید مرتضی مطهری ذکر کنیم که خود ابتدا با تدوین کتاب جامع «سیری در نهج البلاغه» این اثر گرامی را به نسل جوان شناسانید.

از نظر مطهری (ره) نهج البلاغه چندین دنیا دارد: دنیای زهد و تقوا، دنیای عبادت و



می‌گوید:

آقا میرزا علی غیر ممکن بود لب به سخن باز کند و از مضامین نهج البلاغه حضرت علی (ع) چیزی بر زبان نیاورد (۳۴)

عرفان، دنیای ملاحم و مغیبات، دنیای سیاست و مسئولیت‌های اجتماعی، دنیای حماسه و شجاعت... (۳۷)

امتیاز نهج البلاغه برای فردی که سخن شناس باشد و زیبایی سخن را درک کند نیاز به توضیح و توصیف ندارد. اساساً زیبایی درک کردنی است، نه وصف کردنی نهج البلاغه پس از حدود چهارده قرن برای شنونده امروز همان لطف و حلاوت و گیرندگی و جذابیت را دارد که برای مردم آن روز داشته است. (۳۸)

اما این وصف‌ها چون دریا پایان ندارد: در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام

پانویست‌ها:

- ۱- وصیت نامه الهی و سیاسی.
- ۲- پیام مورخ ۱۳۶۰/۲/۲۷ امام خمینی به کنگره هزاره نهج البلاغه، ص ۷.
- ۳- بحیثی کوتاه پیرامون مدارک نهج البلاغه، استادی، رضا بنیاد نهج البلاغه، تهران، ۱۳۶۲.
- ۴- سیری در نهج البلاغه، مطهری، مرتضی، ج ۱، ص ۱۱.
- ۵- جَوَلات اسلامیة، محمد امین التواوی، بیروت، ۱۹۸۰، ج ۳، ص ۹۹.
- ۶- همان، مطهری، مرتضی، ص ۱۵.
- ۷- الطراز، امام یحییٰ بنی، بیروت، ۱۹۷۱، ج ۱، ص ۱۲.
- ۸- همان، محمد امین التواوی، ص ۹۸.
- ۹- همان، ص ۹۹.
- ۱۰- علی و بنوه، طه حسین، بیروت، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۳۰.
- ۱۱- مائة كلمة من كلام الامام علي، امین نخله، بیروت، دارالتعارف، ۱۹۸۱، ص ۴۱.
- ۱۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، کتابخانه مرحوم مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۴.

- ۱۳- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۱۸.
- ۱۴- همان، همانجا.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- الثر الفنی، دکتر زکی مبارک، قاهره، مکتبه مصطفی البابی، ۱۹۷۰، ج ۳، ص ۵۹.
- ۱۷- سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۱۸.
- ۱۸- البیان و الثبیین، جاحط، قاهره، مکتبه مصطفی البابی، ۱۹۴۸، ج ۲، ص ۱، ص ۸۲.
- ۱۹- ریحانة الأدب، مدرس تبریزی، کتابفروشی خیام، ج ۱ و ۲، ص ۳۴۳.
- ۲۰- الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۲۸.
- ۲۱- حکمت اسلام، مولا صالح روغنی قزوینی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴، ص ۱۲.
- ۲۲- نگاهی کوتاه به زندگی پرافتخار سید رضی، دوانی، علی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۰، ص ۲۳۲.
- ۲۳- همان، ص ۵۰.
- ۲۴- همان، صص ۵۱-۵۰.
- ۲۵- یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۰، ص ۲۲۱.
- ۲۶- یادنامه کنگره هزار نهج البلاغه: ص ۱۶۳.
- ۲۷- همان، ص ۱۷۸.
- ۲۸- انسان کامل در نهج البلاغه، حسن زاده آملی، حسن، مندرج در یادنامه کنگره هزار نهج البلاغه - ص ۵۰.
- ۲۹- همان، ص ۵۰.
- ۳۰- عدل الهی، مطهری، مرتضی، صدر، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۹.
- ۳۱- شهید مدرس ماد مجلس، گلی زواره، غلامرضا، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۱، ص ۵۴.
- ۳۲- مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، باقی، عبدالمعلی، قم، نشر تفکر، ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۳۳- پیام امام خمینی به کنگره نهج البلاغه.
- ۳۴- طیب جسم و جان، انجمن آثار و مفاخر اصفهان، (مندرج در یادنامه حاج میرزا علی شیرازی)، ص ۹۰.
- ۳۵- همان، ص ۴۲.
- ۳۶- ناصح صالح، گلی زواره، غلامرضا، ص ۱۷۰.
- ۳۷- سیری در نهج البلاغه، مطهری، مرتضی، ص ۷.
- ۳۸- همان، ص ۷.

گفتگو

پروپش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی